

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# دیکری

مجموعه مقالات همایش روز جهانی فلسفه ۱۴۰۰

گردآوری و ویرایش  
رضا کوهکن



سرشناسه	:	همایش روز جهانی فلسفه (۱۴۰۰) "دیگری"
عنوان و نام پدیدآور	:	World Philosophy Day (2021) "The Other"
مشخصات نشر	:	دیگری: مجموعه مقالات همایش روز جهانی فلسفه ۱۴۰۰/گردآوری و ویرایش رضا کوهکن.
مشخصات ظاهری	:	تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، انتشارات، ۱۴۰۱. ۲۶۴ ص.
شابک	:	978-622-6331-34-0
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	فلسفه -- ایران -- کنگره‌ها Philosophy-- Congresses -- Iran
شناسه افزوده	:	کوهکن، رضا، ۱۳۵۳ -
شناسه افزوده	:	مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
شناسه افزوده	:	Muassasah-i Pizhuhishi-i Hikmat va Falsafah-i Iran
رده بندی کنگره	:	B۱۵۱
رده بندی دیویی	:	۵/۱۸۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۸۶۳۱۹۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیبا



## دیگری

مجموعه مقالات همایش بزرگداشت روز جهانی فلسفه سال ۱۴۰۰  
 گردآوری و ویرایش رضا کوهکن  
 نمونه خوان: فهیمه نظری  
 صفحه آرا: معصومه قاسمی  
 طراح جلد: سعید صحابی  
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه بوستان کتاب  
 چاپ اول: ۱۴۰۲  
 تیراژ: ۵۰۰ نسخه  
 قیمت: ۱۶۰ ۰۰۰ تومان



ناشر: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران  
 نشانی: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، خیابان شهید آراکلیان، پلاک ۴  
 تلفن: ۶۶۹۶۵۳۴۶، نمابر: ۶۶۹۵۳۳۴۲  
[www.irip.ac.ir](http://www.irip.ac.ir)

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۳۱-۳۴-۰ ISBN: 978-622-6331-34-0

حق چاپ و نشر محفوظ است.

پیشکش به آستان آسمانی همه  
«دیگری» های سرزمینم، ایران





سخنی و سپاسی.....	۹
پیشگفتار.....	۱۱

الف) عرفانی، فلسفی، تطبیقی و شرق‌شناختی

۱. غیرتش غیر در جهان نگذاشت: نفی غیریت در عرفان اسلامی شهرام پازوکی.....	۲۱
۲. دیگری برحسب حکمت متعالیه سیدحمید طالب‌زاده.....	۳۷
۳. در «میانه» «من» و «دیگری» علی اصغر مصلح.....	۴۳
۴. مسئله «من» و جز «من» غلامحسین ابراهیمی دینانی.....	۵۷
۵. «دیگری» در مثنوی معنوی شهین اعوانی.....	۶۵
۶. یرسش دیگری و پدیدارشناسی پاسخ‌دهنده زهرا دنیایی.....	۸۷

۷. خود در آینه دیگری در اندیشه کیرکگور  
راضیه زینلی ..... ۹۷
۸. خود و دیگری در اندیشه دائویی  
اسماعیل رادپور ..... ۱۱۵
۹. لودویگ ویتگنشتاین و دونالد دیویدسون در باب دیگری  
علی حسینخانی ..... ۱۲۳
۱۰. دگرستیزی-دگرپذیری: هیتلر در برابر گاندی  
کاوه بهبهانی ..... ۱۳۷
۱۱. هانری کربن: به سوی دیدار دیگری خود  
رضا کوهکن ..... ۱۸۹
- ب) حقوقی، اخلاقی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی
۱۲. حق دیگری، محور اصلی اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ رهیافتی اسلامی  
سیدمصطفی محقق داماد ..... ۲۰۳
۱۳. سیمای دیگران در آینه شافعیان  
جلیل امیدی ..... ۲۱۳
۱۴. جایگاه و نقش "دیگری" در شکل‌گیری "افسردگی"  
حسین اسکندری ..... ۲۳۹
۱۵. «دیگری» و «قاعده طلایی» در اندیشه سیاسی سده‌های میانه مسیحی  
سعید ماخانی ..... ۲۵۷



## سخنی و سپاسی



فلسفه و فلسفیدن امری است جهانی، و روز جهانی فلسفه، فرصتی است برای اندیشیدن به این دست‌آورد بشری و ارج نهادن آن. و سراسر طبیعی است که مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، به بزرگداشت این روز بپردازد. از سال ۱۳۸۶ خورشیدی تاکنون، هر ساله این بزرگداشت برگزار شده و موضوعات متنوعی بهانه گردآمدن پژوهندگان قرار گرفته است. موضوع سال ۱۳۸۶، «مبانی نظری گفتگو (من و دیگری)» بوده است و موضوع سال ۱۴۰۰، «دیگری». شگفتا که موضوع سال اخیر که قرعه‌دبیری علمی همایش به نام من افتاد، بی‌نسبت با موضوع نخستین نیست؛ با این تفاوت که در آنجا «من» در کانون قرار گرفته و در نزد ما این «دیگری» است که در میانه استوار ایستاده است؛ باشد که سیر توجه ما به دیگری، بیش و به باشد.

جا دارد در اینجا به طور ویژه از دکتر غلامرضا زکیانی، رئیس پیشین مؤسسه، سپاسگزاری کنیم که با پافشاری برگردآوری و چاپ مجموعه مقالات همایش، ما را برانگیختند تا به این خواسته جامه‌تحقق بپوشانیم؛ شوربختانه، غیر از مورد همایش بین‌المللی روز جهانی فلسفه ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) و مورد سال ۱۳۹۱، مقالات جمع نیامده‌اند و به چاپ نرسیده‌اند. همچنین می‌باید از رئیس بعدی مؤسسه، دکتر احمدحسین شریفی، و نیز آقای نوید عابدینی، مسئول انتشارات، و خانم قاسمی، صفحه‌آرای این اوراق، که با یاری و همراهی آنان این کار به آخر رسید، به نام یاد کنیم و سپاس بگذاریم. به طور ویژه می‌بایست سپاسگزار خانم دکتر فرشته کاظم‌پور باشیم که با بازخوانی دقیق متن نهایی یاریگر ما در رفع نواقص درغلتیده در مقالات شدند. خوشوقتیم که به این ترتیب، اینک و این چنین، مجموعه مقالات همایش، در قالب اثری مکتوب، در اختیار

علاقمندان قرار می‌گیرد، تا بدین ترتیب از زحمات و هزینه‌های انجام شده، بهره‌ بهینه‌ای بیرون آمده باشد.

همچنین جا دارد از پژوهشگران ارجمندی که با سخنرانی و ارائه مقاله خود به ما در برگزاری این همایش یاری رساندند، سپاس خویش را ابراز داریم. هرچند خیلی دیر دست در کار برگزاری همایش شدیم (حدود هفتاد روز قبل از روز برگزاری)، اما این دوستان با مهربانی، پذیرا و پاسخگویی پیام‌های پیاپی بنده بودند و کار تدوین مقالات خویش را با جدیت و نظم به پیش بردند؛ و این چنین بود که از نوزده مورد، پنج مورد قبل از برگزاری (بیست و پنجم آبان ماه ۱۴۰۰) به دست ما رسید. باقی مقالات را نیز به تدریج دریافت کردیم، چنان‌که اینک کُلّ مقالات، به غیر از یک مقاله، حاضر است و در این مجموعه، مندرج.

تنوع و کیفیت مقالات چنان است که این اثر قابلیت این را دارد که یک نقطه آغاز خوب در اختیار پژوهشگرانی قرار دهد که بخواهند در پهنه این موضوع، از گوشه‌ای یک گام جلوتر بروند؛ هرچند همین جا باید اعتراف کنم که جای یک مقاله خوب در این مجموعه که از زاویه تمدنی ایران، یا از زاویه‌ای فلسفی با محوریت ایران به «دیگری» پرداخته باشد تهی است. توضیحاتی کلی در مورد هر یک از مقالات و کلیت آن‌ها در پیشگفتار آمده است.

## پیشگفتار



دیگری یا غیر را نه تنها می‌توان مهم‌ترین مسئله فکری جهانی در قرن حاضر دانست، بلکه برای کشور دوست داشتنی ما ایران، اگر نگران بقا و سلامت آن هستیم، محوری‌ترین موضوع است.<sup>۱</sup> توحید که بنیادی‌ترین امر در بینش دین‌دارانه است و نیز بسیاری از موضوعاتی که در اثر نحوه مواجهه ما دین‌داران تبدیل به مسئله شده‌اند، نظیر مسئله اقوام، مسئله مذاهب و فرقه‌ها، مسئله الحاد، مسئله آب، مسئله محیط زیست، مسئله نزاع‌های منطقه‌ای و جهانی که ایران به نحوی از انحاء در آن‌ها درگیر است، به یقین، مستقیم به درک ما از «دیگری» مرتبط است.

روز جهانی فلسفه با سالروز وفات علامه طباطبایی تقارن دارد؛ و این تقارن در نگاه رمزمحور سرشار از معنا می‌تواند باشد. شاید علامه را بتوان نمونه‌اعلای (و بدین معنی، خاتم) فیلسوف سنتی ایرانی دانست که جست‌وجوی حقیقت و درک آن را با خواسته‌های زمینی نیالود. همو که رویش به عالم گشوده بود و حقیقت را نه شرقی و نه غربی می‌دانست: با هانری کربن و از خلال وی با متألهان مسیحی گفت‌وگو می‌کرد؛

---

۱. لیندا زاگزبسکی در کتاب اخیر خود (*The Two Greatest Ideas*, 2021)، پس از آنکه دو ایده درک جهان و درک خویشتن را به منزله بزرگ‌ترین ایده‌های تاریخ فکر بشر طرح می‌کند، به خوبی بحث امر میان‌ذهنی (intersubjectivity) و درک دیگری را به عنوان سومین و بزرگ‌ترین ایده به میان می‌آورد؛ این موضوع به‌طور مستقیم با موضوع مورد نظر ما مربوط است. به ویژه فصل ششم اثر مذکور خواندنی است. اگرچه زاگزبسکی به درستی اذعان دارد که جدایی و جایگزینی یکی پس از دیگری این ایده‌ها، مختص تاریخ غرب است، اما امروز دیگر در عصر تلاطم و درهم‌رفتگی تاریخ‌ها و فرهنگ‌ها، نه تنها تاریخ غرب مختص غرب نیست، بلکه حتی می‌توان با درس گرفتن و تعبیر همان واژگان مختص تاریخ غرب، به تاریخ شرق، در اینجا تاریخ ایران و اسلام، نگاهی دوباره، و البته به جا و درست، انداخت. ما همین کار را در این پیشگفتار با اصطلاح اینکتیویزاسیون کرده‌ایم.

همچنین دائود جینگ می خواند و بر او پانیشادها تأمل می کرد. او که پا در فرهنگ معنوی خویش محکم داشت و (درست به همین اتکا)، از این توانایی برخوردار بود که به تعبیر علی اصغر مصلح «در میانه» بایستد و در فضای بی کرانه معنویت فرهنگ‌ها نظر کند.

نباید انتظار داشت که در دوره سنت به موضوع «دیگری»، از آن حیث که امروز مرکز توجه است، چندان التفاتی شده باشد. اساساً علمای هر قوم و ملتی به اقتضای متون و تاریخ خویش، قوم و ملت خویش را اصل و مرکز، و دیگران را حاشیه‌ای کم‌رنگ و بلکه بی‌رنگ می‌دیدند. و این چنین است که علمای مسیحی، مسلمانان را مشرک می‌دانستند و علمای مسلمان مسیحیان را. مسئله از جانب مسلمانان وقتی جدی‌تر می‌شود که بدانیم اسلام و مسیحیت هر دو به همراه یهودیت در زمره ادیان ابراهیمی، یعنی در یک تیره، واقع هستند. با این حال، اکثر قریب به اتفاق مفسران مسلمان، خواه سنی خواه شیعی، خواه معتزلی خواه اشعری، خواه عارف و حکیم و خواه متکلم و فقیه، در فهم و تبیین «غیر»هایی که در سوره حمد سخن از آن در میان است ساده‌اندیشانه مصداقی عمل کرده‌اند و آن دو را به ترتیب، یهودیت و مسیحیت دانسته‌اند؛ اهمیت مسئله وقتی بیشتر می‌شود که این پرسش به میان آید که دیگر فرق و ملل کجایند؟ زردشتیان، بوداییان، مانویان و غیره کجایند؟ آنان حتی به حساب نمی‌آمده‌اند. در دوره ماقبل مدرن، متفکران هر قوم و ملت، عموماً گونه‌ای فهم را عرضه می‌کردند که به اثبات من و نفی جز من می‌انجامید؛ از این حیث، تاریخ ابژکتیویزاسیون (عینی‌سازی) را که شهرام پازوکی از آن سخن خواهد گفت، باید از ابتدای دوره مدرن به قرن‌ها و هزاره‌ها قبل منتقل کرد. شاید به همین دلیل باشد که به سختی بتوان حتی از دل فلسفه سنتی ایران، موادی را یافت که جا برای همین دیگری ملموس و انضمامی باز کند؛ و خوشوقتیم که بگوییم که در این همایش تلاش‌هایی در این جهت صورت گرفته است، به‌ویژه در اینجا باید متذکر کار سرور گرامی طالب‌زاده شویم.

و اما اینجا مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران است و خوشوقتیم که بتوانیم به این ترتیب، به نحو عام، روزنی در اندیشیدن در خصوص دیگری در سطح عمومی جامعه، که به شدت بدان نیاز داریم بگشاییم، و به نحو خاص امید داریم که شاهد گشوده‌گشتن دریچه‌ای باشیم برای تأمل در این باب که نسبت میان خود و دیگری، در چه مقولاتی از فلسفه سنتی ایران طرح شده است و چه مقولاتی جا برای طرح چنین موضوعی دارد. شاید اعتباریات علامه طباطبایی که غلامرضا زکیانی از آن سخن خواهد

گفت راهی برای این امر باشد، هرچند که افرادی این نظریه را برآمده از دل فلسفه سنتی ایران ندانسته‌اند (اسبابی ما را مجبور به حذف مقاله ایشان از مجموعه مقالات کرد؛ باین حال، فایل صوتی سخنرانی ایشان در آپارات مؤسسه موجود است و خوانندگان می‌توانند صوت گفتار ایشان را گوش دهند)<sup>۱</sup>. باین حال به نظر ما این مناقشه اهمیتی ندارد، چرا که علامه خود از استوانه‌ها و تجسم‌های این فلسفه در ایران معاصر می‌باشد، ولو اینکه این نظریه وی ریشه‌های قوی در سنت پیشین نداشته باشد؛ مگر نظریه انوار ایرانیان باستان که سهروردی احیا کرد، و پس از وی جای خویش را در دل سنت فلسفی باز کرد، بدان صورت، در نزد پیشینیان وی، نظیر فارابی و ابن سینا، سابقه داشته است؟ درست است که بنده به عنوان دبیر این نشست، سلیقه فکری خاص خود را دارم، اما می‌بایست بیش و پیش از هر چیز، حق حقیقت امر را به جا می‌آوردم؛ و آن حقیقت این است که به هر موضوعی می‌توان دست کم به دو شیوه، شیوه افقی و عمودی، که به هر دوی آن‌ها برای زیست این جهانی و آن جهانی خویش (در مورد کسانی که به چنین چیزی رسیده‌اند) نیاز داریم، نگرست و در هر یک از این دو شیوه، نیز می‌توان از زاویه‌ای خاص بدان نظر کرد. دقت به این نکته اساسی است: به عنوان نمونه، در اینجا هم شهرام پازوکی از نفی دیگری سخن خواهد گفت و هم جبار رحمانی<sup>۲</sup>، اما باید دید که این نفی‌ها، هریک در کدام سطح صورت می‌گیرد؛ نفی مطمح نظر پازوکی که در شیوه عمودی صورت می‌گیرد، ایجاب‌های بسیاری را در سطح خلق، در مرتبه تجلیات، به همراه خود دارد، و سخن رحمانی به امری واقع و افقی در جامعه امروز ما، به زیست این جهانی ما، راجع است.

شیوه افقی، دنیای ما را با همه مؤلفه‌های آن، بی‌آنکه نیازی ببیند که آن را در نسبت با هیچ‌گونه امر قدسی و فرا دنیایی ببیند، در نظر می‌گیرد و قواعد آن را در عرض و افق وسعت خود دنیا، حدس می‌زند، به قانون تبدیل می‌کند و تحلیل می‌نماید؛ و اما شیوه عمودی، دنیا را آینه عقبی می‌داند و پدیدارهای آن را در پرتو امر قدسی می‌بیند و نمایاننده آن می‌داند؛ و دنیا را بستر و طریق سلوک به سمت حق می‌داند. شیوه افقی

۱. زکیانی از جمله چنین نتیجه گرفته است: «اگر وجود «دیگری» مبنای اعتباریات انسانی است، پس حق «دیگری» در تمام مناسبات اجتماعی (از جمله مشروعیت و مقبولیت و اداره جامعه انسانی) باید رعایت گردد».

۲. دکتر رحمانی نتوانستند مقاله را به مجموعه مقالات برسانند، صوت سخنرانی ایشان را علاقمندان می‌توانند در صفحه مؤسسه در آپارات گوش کنند.

به هیچ وجه بی اهمیت و خالی از حقیقت نیست. قوانین علوم دقیق (فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی)، اگرچه از منظر شیوه عمودی مجاز اندر مجاز هستند، اما در سطح خویش حقیقی هستند، قدرت تبیینی و پیش‌بینی‌پذیری بالا دارند و خیلی ساده بگوییم، کار می‌کنند. اقتصاد، جامعه‌شناسی، سیاست، روان‌شناسی، فلسفه و غیره، هر یک با یک عینی‌سازی و مقوله‌سازی خاص حقیقت، بر تنظیم و ترتیب آنچه می‌توان در زبانی دینی آن را نشئه دنیا نامید، تمرکز دارند. و اگر این علوم سهمی در فهم ما از این نشئت و قواعد آن و ترتیب و تنظیم آن دارند، که بی‌تردید دارند، همین کافی است که آن‌ها را مهم بدانیم و به بحث «دیگری» در دل آن‌ها اهمیت بدهیم. چرا که رشد و نشو و نماهای اخروی، به فرض وجود، متأخر از این رشد و نشو، و در پی آن است؛ اصلاً حتی اگر معتقدان به تداوم رشد و نشئت در آخرت را در محور جای دهیم، باید که حیاتی دنیوی باشد، باید که حیاتی دنیایی موزون و نیک باشد، تا بتواند برای آنان زمینه و بستر نشئت اخروی قرار گیرد. بر این اساس، مایه خوشوقتی است که در اینجا رحمانی و اسکندری از منظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به موضوع «دیگری» خواهند پرداخت؛ بحث‌هایی که برای موزون نمودن ایران امروز بدان‌ها نیاز داریم. چه بهتر که علوم انسانی چنان باشند که به جای پراکندن اندیشه‌هایی که تقابل و سیطره بر دیگری را رواج می‌دهند، احترام و تکریم دیگری را در محور نظر خویش جای دهند (در نزد ریکور، لویناس و ژان-لوک ماریون فرانسوی به عنوان نمونه).

و اما شیوه عمودی، یا بینش مرآتی نسبت به اشیاء طبیعی نیز حقیقی است در شیوه خویش (در حالی که آن اشیاء می‌توانند با عینی‌سازی، هر یک از زاویه‌ای، موضوع علوم فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی قرار گیرند). هر چند ما بینش مرآتی را انسانی‌تر و در نتیجه، حقیقت آن را اصیل‌تر می‌دانیم، با این حال، واقعیت این است که در عمل، بیشتر با همان عینی‌سازی و سفت و سخت کردن حقیقت مواجه هستیم، خواه در نگاه دین‌دارانه و خواه در نگاه غیر دینی. در تکوین و بسط تاریخی ادیان، علوم مختلفی شکل گرفته‌اند که در این میان، تنها معرفت عرفانی می‌تواند ذیل شیوه عمودی جای گیرد.

از آنجاکه موضوع «دیگری» فارغ از قواعد منطقی در توضیحات فوق نیست، بر آن بوده‌ایم که در این نشست، برای هر دو شیوه، جای بگذاریم و فرصت پدید آوریم، تا حسن طبع مخاطبان ما با ملاحظه مجموع سخنرانی‌ها به نحوی جامع تحریک شود و خود، سرانجام با درگفت‌وگو افتادن با سخنرانان، به نتیجه‌ای مناسب خویش برسند. در اینجا گفتارهای بانو اعوانی، و سروران پازوکی، رادپور و کوهکن در زمره شیوه عمودی

جای می‌گیرد و گفتارهای باقی سخنرانان به‌ویژه، سروران جلیلی، اسکندری و ماخانی، عموماً در شیوه افقی. در این میان، گفتار کاوه بهبهانی، دو شخصیت، دو رهبر، را در مقابل هم قرار می‌دهد که یکی نگاه عمودی بر بینش وی غالب است و از ثمرات ابعادی از آن یعنی «سواراج» و «آهیمسا» - آن‌گونه که در نگاه وی نمایان شده است - برای کسب استقلال سرزمین خویش بهره می‌گیرد، و دیگری واجد بینشی افراطی در سطحی افقی است که به چه فجایع بر مردمان سرزمینش منجر نمی‌شود. این مقابله عالمانه بسیار درس‌آموز است.

وجه مشترک همه سخنرانی‌ها این است که با یک نگاه تحلیلی و ترکیبی به موضوعات پرداخته‌اند و این، معیار ما بوده است؛ صرف عرضه یک سری داده تا با تبیین و توضیح همراه نشود، به هیچ کاری نمی‌آید؛ یکی از نمونه‌های موفق در این خصوص، کار رحمانی است که داده‌های اجتماعی را در بستر ایران با تحلیل مناسب جامعه‌شناختی همراه کرده است. و اسکندری نیز با بهره‌گیری از نظریه‌های روان‌شناسی به تحلیل افسردگی به مثابه بیماری روحی شایع دوران ما، از زاویه «دیگری» خواهند پرداخت.

در خصوص سخنرانی‌های واقع در حوزه عرفان، شهرام پازوکی از نفی‌ای، از الهیاتی‌تنزیهی سخن خواهند گفت که البته با الهیات ایجابی (تجلیات و مظاهر) توأم است، وگرنه با یک خلأ بحث مواجه خواهیم بود. اگر بتوان برای ایران یک جان قائل شد، شاید بتوان گفت که مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین بلخی، جان ایران فرهنگی است، و این چنین، شنیدن گفتار شهین اعوانی شیرین خواهد بود. در روزگاری که چین، با گام نهادن در مسیر غرب، به سرعت و شدت در حال پیشی گرفتن از غربیان است، طرفه اینکه اسماعیل رادپور، دیگری را از زاویه حکمت شرقی چین برایمان بیان خواهند کرد؛ چین با ملاحظه غرب به مثابه یک دیگری مطلوب که می‌خواهد آن را خویشتن خویش بکند، با شتاب در مسابقه قدرت در میدان افقی وارد شده است و رادپور پرده از گنجینه‌های عمودی این قوم برمی‌دارد.

و اما در خصوص سخنرانی‌های دینی: سیدمصطفی محقق داماد با بازخوانی منابع اسلامی که به تعبیر ایشان در بهره‌گیری از آن‌ها «کوتاهی» صورت گرفته است، برای ما موضوع مهم «حق داشتن دیگری» را نشان خواهند داد؛ و بی‌تردید، این دیگری در اینجا نه در بستر جماعت مؤمنان یا مسلمانان، بلکه در سطح کلان خانواده بشری مطرح است. و البته ما امروزه نیاز داریم به اینکه علل این «کوتاهی»‌ها را بشناسیم و به فوریت،

این «کوتاهی»ها را کوتاه کنیم. همچنین در اینجا مفتخریم به اینکه پذیرای جلیل امیدی هستیم که برایمان از پذیرش دیگران و رواداری عقاید و آرای آنان در نزد شافعی و شافعیه سخن خواهند گفت. منتظر می‌نشینیم تا بنیادها و نمودهای این رواداری را برایمان عرضه کنند. وی سرانجام به درستی در نتیجه کلام خویش چنین آورده است:

«درج اصول رواداری در ضمن سیاست‌گذاری‌های کلان و برنامه‌های عمومی توسعه و فراهم آوردن زمینه‌ها، پیش شرط‌ها و سازوکارهای آموزش و ارتقای فرهنگ رواداری، وظایف دیگر دولت را تشکیل می‌دهند».

و اما سعید ماخانی از قاعده زرین در مسیحیت برایمان سخن خواهند گفت؛ قاعده‌ای زرین که چه در شکل ایجابی و چه در شکل سلبی‌اش، در اسلام، و در نزد امامان شیعی نیز سابقه‌ای بلند دارد. به نظر می‌رسد که این قاعده می‌تواند یکی از ستون‌های یک نظریه استوار در باب دیگری در بطن امامیه باشد که بی‌تردید باید پدید آید. و اما از سوی دیگر، یک امر مهم، تفتن به تحوّل و تکوّن تاریخی عقاید دینی است. در این میان، یک امر ویژه توجه به بستر شکل‌گیری عقاید به نحو عام، و بستر نزول وحی به نحو خاص است؛ امری که محمد علی امیرمعزی، استاد دانشگاه سوربن، با کتاب پراهمیت قرآن مورخان<sup>۱</sup>، گامی بلند در گشودن راه آن برداشته است. در جمع ما، غلامرضا زکیانی به طور خاص بخشی از سخن خود را به موضوع نقش دیگری در شکل‌گیری تاریخی تفکر امامیه (به طور خاص، نقش شیخ مفید در تنقیح کلام دوازده‌امامی) اختصاص داده است؛ منتظر می‌نشینیم و نیوشای سخنان ایشان می‌گردیم.

و اما در خصوص سخنرانی‌های فلسفی: ابراهیمی دینانی را باید از پیش‌گامان اندیشه‌ورزی در باب موضوع دیگری از زاویه فلسفه سنتی ایران دانست؛ کتاب من و جز من ایشان دقایق بسیاری در این خصوص در اختیار می‌نهد، هرچند به نظر می‌رسد که طرح تفصیلی چند دقیقه با شواهد و تطبیقات، بهتر از طرح اشاره‌وار دقایق بسیار باشد. ایشان با جسارت تا بدانجا پیش می‌روند که اعلان می‌دارند که: مسئله «من» و جز «من»، اصل الاصول به شمار می‌آید که قبل از آن هیچ مسئله‌ای در این عالم قابل طرح نیست. سیدحمید طالب‌زاده، «دیگری» را بر حسب حکمت متعالیه طرح خواهند کرد. تحولی بنیادی که ملاصدرا در دل سنت فلسفه اسلامی پدید آورد، امکانات فراوانی را در برابر

1. *Le Coran des historiens*



فلسفه‌ورزان می‌نهد تا بتوانند ابعاد تازه‌ای را از این نگرش جدید آشکار سازند. وی بدین ترتیب، به قسم دیگری از ربط رهنمون شده است که آن را «ترابط» نامیده است. وی براین اساس به این نتیجه مهم رسیده است که «انسان در انزوا و عزلت خویش از انسانیت خود تهی می‌شود. انسان ذاتاً با است و با معرّف غیری است که هر شخص را به انسانیت مرتبط می‌کند و جزء را در نسبت با کل قرار می‌دهد». با این حال، از آنجاکه فلسفه، علمی عقل محور و استدلالی است، فلسفه غرب و فلسفه اسلامی می‌توانند در گفت و گو بیفتند، و هریک از دیگری چیزی یاد بگیرد؛ نمونه‌هایی از این گفت و گوی موفق در سه شخصیت شاخص، متفاوت و گاه متقابل، ایزوتسو، حائری و کربن، که هر سه نیز بخشی از تاریخ این مؤسسه هستند، رقم خورده است؛ در جمع ما نیز بخشی از سخنان غلامرضا زکیانی واجد اشاراتی تطبیقی خواهد بود. شرق شناسان به ویژه با اثر ادوارد سعید، همواره مورد سوء ظن بوده‌اند، کوهکن در اینجا دیگری را از منظر کربن، از نظرگاه یک فیلسوف. مستشرق که معروف است که شرق را بهتر از خود شرقیان به آنان معرفی می‌کند، طرح خواهد کرد. علی حسینی‌خانی مقاله‌ای درباره ویتگنشتاین و دیویدسون، با بهره‌گرفتن از صورت بندی‌ای ویژه از استدلال علیه زبان خصوصی عرضه می‌کند و بر ضرورت وجود دیگری برهان خواهد آورد. باید دیگری‌ای باشد تا گوینده مورد نظر بتواند با وی ارتباط زبانی برقرار کند و درستی واکنش‌های خود را در نسبت با واکنش‌های وی بسنجد. وانگهی خوشحالیم که بانویی ایرانی، بانویی هم وطن، زهرا دنیایی، از شرق فرنگ، از دانشگاه فرایبورگ، از آنجا که هوسرل، پدیدآور پدیدارشناسی، صاحب کرسی فلسفه بود و والدینفلز، پدیدارشناس معاصر، گنجینه علمی خود را بدانجا اهدا کرده است، با سخن گفتن از این دو با موضوع «پاسخ دیگری - نگاهی پدیدارشناسانه» با ما خواهد بود.

در این میان، علی اصغر مصلح، به خوبی و به درستی، از «در میانه» «من» و «دیگری» سخن خواهد گفت؛ از میانه‌ای که در آنجا من و دیگری با هم دیده می‌شوند. بیفزاییم که در این مسیر، زبان فارسی نیز می‌تواند به خوبی یاریگر ما باشد، چرا که واجد ضمیر انعکاسی «خود» است که با اول شخص و دوم شخص و سوم شخص، با همه صرف می‌شود، با همه است در عین حال که صرفاً هیچ یک نیست؛ و به ویژه باید پای فشرده بر این نکته که فقط من نیست. سرانجام اینکه در «من و جز من»، من آنچنان نامتعین و استعلایی و در عین حال درون مان است، که ابراهیمی دینانی، به گونه‌ای جالب «از آنچه من خوانده می‌شود» و «آنچه جز من است»، سخن به میان می‌آورد.

وانگهی اگر بتوان از زاویه‌ای نگریست که برای امور و اشیاء به دنبال یافتن پدر و مادر است (نظیر دیدگاه آباء علوی و امهات سفلی در حوزه جهان‌شناسی)، شاید بتوان کیرکگور را پدر اگزیستانسیالیست دانست. بانو راضیه زینلی به نسبت‌های خود و دیگری در اندیشه وی می‌پردازند.

در این میان نثر نوشتار و صورت ساختاری مقالات، از مقاله‌ای به مقاله دیگر به‌طور خیلی طبیعی متفاوت است. برخی نویسندگان تأکید داشتند که بر متن آن‌ها هیچ‌گونه ویرایشی اعمال نگردد و مقاله‌شان «به مسلخ ویراستاری فرستاده نشود». خواستی، که با توجه به تاریخی که نگارش زبان فارسی پشت سر گذاشته است و دستور نگارش دقیق و قاطعی برای آن نمی‌توان متصور شد، می‌تواند به شرط رعایت برخی قواعد کلی و متداول در امروز، مقبول افتد. به این ترتیب، ما کمینه ویرایش را بر مقالات همراهمان این همایش انجام داده‌ایم و در نتیجه می‌توان مطمئن بود که متن‌ها کمابیش با نثر و نوشتار خود نویسنده است.